



۲۰۲۲/۰۳/۱۷



دوکتور م ، عثمان تره کی

## جرگه بنو و مطالبه تدویر لویه جرگه

لویه جرگه ها با تاریخ دیموکراسی قبیلوی افغانستان پیوند عمیق دارد. ازان جائیکه لویه جرگه ها اصل مشوره با مردم را در سطح وسیع جامعه مطرح میکند، با شورای حل و عقد که امر و نهی را در انحصار حلقه محدود علمای مذهبی قرار میدهد، از بنیاد اختلاف دارد: لویه جرگه در ترکیب گسترده خود علمای مذهبی را نیز شامل میشود. در حالیکه شورای حل و عقد با ادعای نمایندگی از امت مسلمان مردمی را که از علوم دینی اندوخته کم دارد، از حق رای محروم میسازد و در حاشیه میراند .

اگر افغانستان معروض به اشغال خارجی و گدودی های ناشی ازان نمیشد، سنت لویه جرگه به افغانستان ظرفیت کافی انتقال از دیموکراسی تعاملی - قبیلوی به دیموکراسی مشارکتی مدرن را فراهم میساخت. به همین مقصد موسسان قانون اساسی ۱۹۶۴ م افغانستان لویه جرگه را با ترکیب نو شامل ساختار های دولتی ساخت و شکل تعاملی آنرا تغییر داد. با جا به جا سازی لویه جرگه تعاملی به لویه جرگه مدون قصد این بود تا میان دیموکراسی تعاملی و دیموکراسی مشارکتی مدرن هم آهنگی بوجود بیاید. تلاش درین استقامت به دلیل غلبه ضابطه های تعاملی که در مواردی با الزامات مذهبی و نرخ های پشتونولی استحکام دریافت میکرد نقش بر آب شد: گذار از تعامل به تدوین و از سنت به مدرنیته در حد تیوری باقی ماند .

طی چار دهه که افغانستان معروض به جنگ و اشغال خارجی بود، هیچ حکومتی نتوانست لویه جرگه را با ترکیبی که در قانون اساسی پیشبینی شده بود، دایر کند. زیرا شورا های ولایتی به مثابه رکن اصلی ترکیب لویه جرگه آنطوریکه در قانون اساسی پیشبینی شده بود، بوجود نیامد. لویه جرگه ایکه بدنال کانفرانس بن دایر گردید در واقع لویه جرگه تعاملی بود نه لویه جرگه قانون اساسی ( لویه جرگه مدون ) . بناً لویه جرگه مبتنی بر حکم قانون اساسی که در یک محیط سنتی پیاده شد، نتوانست در پراتیک، کار آیی خود را ثابت بسازد. برخلاف لویه جرگه سنتی - قبیلوی با گذشتن از خم و پیچ حوادث اعتبار خود را حفظ کرده است. امروز در افغانستان این اعتبار به موازات تلاش ناکام به قصد پیاده کردن ارزش های صادر شده دیموکراسی در وقفه های مختلف زمانی با قوت خود مطرح است .

مخالفین لویه جرگه سنتی دو کته گوری مردم اند:

-کسانیکه با تفکر مالیخولیایی متأثر از رسوبات سمی شبکه های تبلیغاتی مغرضانه غرب از دیموکراسی لگام گسیخته غربی قباله رسیدن به بهشت دیموکراسی میسازند و

-مشتی از خردجال های متعصب قومی که لویه جرگه را پدیده تاریخ تیر شده تلقی میکنند و در واقع دور از واقعیت های ملموس در دنیای تخیل چکر میزنند. چه دلیل قوی تر ازیں میتوان ارائه کرد که در جامعه دارای ساختار سنتی و قبیلوی افغانستان، بالاخره پس از شاریدگی های دیموکراسی وارداتی، شهر ها توسط روستانشینان برخاسته از بستر قوم و قبیله به محاصره کشیده شد و تحریک طالبان قدرت سیاسی را قبضه کرد.

شکی نیست که در طول چهل سال جنگ در افغانستان لویه جرگه مانند بسیاری از ارزش های فرهنگی، اجتماعی و ملی دستخوش هوس بازی های سیاسی شد. از نام لویه جرگه برای مقاصد سیاسی استفاده افزای صورت گرفت. اعتبار لویه جرگه تا حدودی صدمه دید. اما در حال و احوال موجود راه دیگری غیر از نسخه لویه جرگه برای خروج از بن بست وجود ندارد.

مطالبه تدویر لویه جرگه از جانب جرگه بنو برای حل پروبلم های لر و بر، پس از خروج قوای خارجی از منطقه یک اقدام به وقت و مبتنی بر واقعیت ها است. این همان طرح بیست سال قبل کشور های غربی است که حل پروبلم های ناشی از تروریسم و افراطیت داعشی را در یک جغرافیای واحد ( افاک ) جست و جو میکند.

عجالتن در زمینه به دو نکته باید توجه کرد:

-مرجع تدویر لویه جرگه باید غیرجانبدار و بیرون از نفوذ حکومتی، حزبی و گروهی باشد.

- خطر اینکه خائنین ملی و جنایتکاران منسوب به نظام های گذشته از لویه جرگه به مقصد کسب برانت و ادای « غسل تعمید » استفاده کنند، وجود دارد. بناً کاندیدان عضویت لویه جرگه باید از چینل یک فیلتر مطمئن و دقیق بگذرند.

« پایان »



برای مطالب دیگر دوکتور م ، عثمان تره کی روی عکس کلیک کنید